

نقش سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری: از کشف اسرار تا بر ساختن محیط

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

مهدی میرمحمدی *

علیرضا ریحانی **

چکیده

این مقاله به دنبال بررسی نقش نهادهای اطلاعاتی در کشورداری است. نویسنده کشورداری را به عنوان فعل ذاتی دولت تعریف می‌کند و فلسفه وجودی نهادهای اطلاعاتی را نقش آفرینی در کشورداری دانسته و معتقد است که سازمان‌های اطلاعاتی چهار نقش شناختی، نظارتی، صیانتی و اجرایی را در راستای کارآمدی کشورداری برعهده دارند. این نوشتار رابطه فعالیت اطلاعاتی و حکمرانی را ارتباط تکوینی می‌داند و بر آن است که فعالیت اطلاعاتی برآمده از الزامات حکمرانی است و حکمرانی نیز بدون فعالیت اطلاعاتی ممکن نیست. نویسنده سه رهیافت نظری تاریخی نسبت به اطلاعات را شامل رهیافت «اطلاعات به مثابه کشف اسرار»، «اطلاعات به مثابه تفسیر اسرار» و «اطلاعات به مثابه ابزاری برای بر ساختن محیط» در خصوص نقش اطلاعات در حکمرانی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: سازمان اطلاعاتی، کشورداری، نقش اطلاعات، فلسفه وجودی اطلاعات، امنیت ملی.

* دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

** دکترای مدیریت راهبردی

فصلنامه مطالعات راهبردی ● سال بیست و پنجم ● شماره اول ● بهار ۱۴۰۱ ● شماره مسلسل ۹۵

مقدمه

از زمان ظهور مطالعات اطلاعاتی در نهادهای آکادمیک غربی در دهه ۸۰ میلادی، تاکنون دوبار فلسفه وجودی و ضرورت نیاز به دستگاه‌های اطلاعاتی به طور جدی به پرسش کشیده شده است. بار نخست، پس از فروپاشی شوروی بود که جهان اطلاعات در غرب به ویژه آمریکا شاهد طرح این پرسش بود که با از میان رفتن مهمترین دشمن و رقیب لیبرال دموکراسی در جهان و برچیده شدن پرده آهنین، دیگر چه نیازی به نهادهای پرهزینه و پنهان‌کاری مانند سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا وجود دارد؟ این پرسش‌ها که همزمان با طرح ایده پایان تاریخ (فوکویاما، ۱۳۹۵) ظهور کردند، اگرچه به ظهور برخی تردیدها و مناظرات سیاستی دامن زدند اما به سرعت و پیش از پایان یافتن قرن بیستم، با ظهور تهدیدات جدیدی همچون تروریسم که اوج آن در طلوع قرن بیست‌ویکم و با حمله القاعده به سرزمین اصلی آمریکا نمایان شد، فرونشستند. ظهور تهدیدات نوین که عمدتاً ناشی از بازیگران غیردولتی بودند، اتفاقاً نیاز به پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی را حتی بسیار بیشتر از دوران جنگ سرد، افزایش داد. اگر در دوران تهدیدات سنتی، دولت‌ها باید در برابر بازیگران محدود و مشخص دولتی دست به پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی می‌زدند، در قرن بیست‌ویکم هر شهروند خارجی و حتی داخلی و هر گروهی می‌توانست موضوع این فعالیت باشد. بدین ترتیب بار دیگر، نگرانی از تهدیدات، موجودیت سازمان‌های اطلاعاتی را توجیه و بر مخالفان آن تحمیل کرد و همانطور که در قرن بیستم، نیاز به دستگاه اطلاعاتی برای مقابله با تهدیدات ناشی از دولت‌های دشمن یا رقیب مفهوم‌پردازی می‌شد، در طلوع قرن بیست‌ویکم نیز اطلاعات به عنوان عاملی سلبی در برابر تهدیدات نوین علیه امنیت ملی توجیه شد.

با وجود این، اشاعه شگفت‌انگیز فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی و ارتباطات و ظهور ناگهانی فضای سایبر، برای دومین بار در طول عمر کوتاه مطالعات اطلاعاتی، فلسفه وجودی نهادهای اطلاعاتی را به محاق برده است. فضای سایبر، با همه‌گیر کردن ابزارهای اطلاع‌رسانی و سرعت انتقال اخبار و فراهم آوردن امکان انتشار همه چیز حتی داده‌های طبقه‌بندی‌شده با حفظ گمنامی ناشر، مزیت نسبی دستگاه‌های اطلاعاتی در تهیه و توزیع آگاهی موردنیاز

کشورداران را به شدت تضعیف کرده است. از سوی دیگر شرکت‌های بزرگ فناوری با دسترسی به داده‌های کلان، در عمل گوی سبقت را در زمینه درک ابعاد پنهان و آشکار جوامع داخلی و بین‌المللی از سازمان‌های اطلاعاتی ربوده‌اند و در بسیاری از موارد سازمان‌های اطلاعاتی برای فهم جهان پیرامون خود نیازمند همکاری شرکت‌های بزرگ فناوری ارتباطات و اطلاع‌رسانی هستند. این وضعیت سبب شده است تا مطالعات اطلاعاتی برای اولین بار در عمر دو دهه‌ای خود، به مباحث نظری و فلسفی در باب چیستی و چگونگی نقش‌آفرینی دستگاه‌های اطلاعاتی در نظام‌های سیاسی کشیده شود. این نوشتار نیز تلاشی در همین راستا و برای ارائه چارچوبی نظری در خصوص فهم نقش دستگاه‌های اطلاعاتی است.

سازمان‌های اطلاعاتی یکی از نهادهای دولت مدرن به شمار می‌آیند که در راستای رسالت دولت برای تأمین امنیت شهروندان، تأسیس می‌شوند. از این رو گفته می‌شود که رسالت و آرمان نهادهای اطلاعاتی کمک به تأمین امنیت ملی توسط دولت است. دیدگاه مسلط در خصوص نسبت فعالیت اطلاعاتی و امنیت، به طور کلی ماهیتی سلبی دارد و فعالیت اطلاعاتی را شیوه‌ای برای مقابله با تهدید و دستگاه اطلاعاتی را نهادی برای تأمین امنیت بازنمایی می‌کند؛ گویی که امنیت محصول فعالیت‌های اطلاعاتی است. این در حالی است که امنیت ملی محصول کشورداری کارآمد به شمار می‌آید (سالنمای امنیت ملی شماره ۹، ۱۳۹۹: ۷؛ حاتمی، ۱۳۹۸: ۴) و کمک به تأمین امنیت ملی به عنوان رسالت اطلاعات، مستلزم نقش‌آفرینی نهادهای اطلاعاتی در کشورداری است. در این رویکرد گفته می‌شود که فلسفه وجودی اطلاعات، تأثیرگذاری بر بهبود فرایندهای کشورداری است و بدون این تأثیرگذاری، «ضرورت وجودی» اطلاعات به زیر سؤال می‌رود. با توجه به این ویژگی هستی‌شناختی، تمامی نهادهای اطلاعاتی همواره در تلاش برای نقش‌آفرینی در فرایند اداره کشور متبوع خود هستند؛ از این رو ارتباط مناسب میان جهان اطلاعات و جهان کشورداری، یکی از شرط‌های بنیادین برای عملیاتی‌شدن فلسفه وجودی دستگاه‌های اطلاعاتی است. پرسش اساسی این است که اطلاعات چه نقش‌هایی را در راستای بهبود کشورداری برعهده دارد؟ نوشتار حاضر تلاش می‌کند پاسخ به این پرسش را بر اساس چهارچوب نظری نقش اطلاعات در کشورداری و رهیافت‌های تاریخی در خصوص عملکرد مورد انتظار از اطلاعات مورد بحث قرار دهد. در راستای پاسخ به پرسش مذکور، ابتدا رابطه میان

اطلاعات و کشورداری مورد بحث قرار می‌گیرد و ضمن تعریف چستی فعالیت اطلاعاتی و کشورداری، نسبت این دو مفهوم با یکدیگر تشریح می‌گردد. بخش دوم به بررسی نقش‌های اطلاعات در کشورداری می‌پردازد. در بخش سوم رهیافت‌های نظری در خصوص کارکرد دستگاه‌های اطلاعاتی بازنمایی می‌شود و بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص خواهد داشت.

الف. کشورداری و فعالیت اطلاعاتی: یک رابطه تکوینی

در ادبیات اطلاعاتی به طور متعارف در هنگام تعریف واژه «اطلاعات» آن را به عنوان نهاد، فعالیت و نوع خاصی از محصول شناختی بازنمایی می‌کنند (Kent, 2002: 10; shulsky, 1949: 10-15; و میرمحمدی و محمدی‌لرد، ۱۳۸۷: ۳۲؛ لوونتال، ۱۳۸۷: ۲۵). اطلاعات به مثابه نوع خاصی از شناخت، محصول انجام فعالیت‌های اطلاعاتی در چارچوب نهادی قانونمند به شمار می‌آید. در این تعریف، فعالیت اطلاعاتی مجموعه‌ای درهم‌تنیده از رفتارهای پنهان‌کارانه و پنهان‌پژوهانه است که در یک سازمان رسمی با اختیارات و مسئولیت‌های تعیین شده در قانون انجام می‌شود. پیامد عملی این فعالیت‌ها نیز تولید شناخت از کنش‌گران، پدیده‌ها و مکان‌هایی است که اقدامات پنهان‌کارانه و پنهان‌پژوهانه درباره آنها اعمال می‌شود. طبق این تعریف، مشروعیت فعالیت اطلاعاتی ناشی از اجرای آن در چارچوب یک نهاد رسمی است که در اصطلاح آن را سازمان اطلاعاتی می‌گویند. ناگفته پیداست که رسمیت این نهاد نیز برآمده از قوانین و هنجارهایی است که نظام سیاسی تنظیم و اعمال می‌کند. اجازه مبادرت به اقدامات پنهان‌کارانه و پنهان‌پژوهانه در انحصار دولت است و اقدامات پنهان‌کارانه و پنهان‌پژوهانه خارج از اراده دولت، نه تنها مشروعیت ندارند و ذیل عناوین مجرمانه مورد پیگرد قضایی قرار می‌گیرند، بلکه حتی به لحاظ نظری با عنوان «فعالیت اطلاعاتی» از آنها یاد نمی‌شود. دلیل این امر، آن است که دولت‌ها «پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی» را بخشی از اختیارات انحصاری خود در کاربست ابزارهای قدرت برای حفظ جایگاه مسلط خود می‌دانند و دست‌یازیدن کنش‌گران دیگر به این اقدامات را شکستن این انحصار و تضعیف توان حاکمیت خود تلقی کرده و به شدت با آن مقابله می‌کنند.

نکته دیگری که در مفهوم‌پردازی متعارف از اطلاعات نهفته است، نقش تأسیسی دولت در شکل‌دادن و به‌وجودآوردن نهاد اطلاعاتی است. به عبارت دیگر، هنگامی که مشروعیت و امکان‌پذیری فعالیت اطلاعاتی در انحصار دولت است، این پرسش مطرح می‌شود که «دولت چه نیازی به این اقدامات دارد و چرا از اساس به تشکیل چنین نهادهایی اقدام می‌کند؟». پاسخ به این پرسش، بنیان فلسفی نهادها و فعالیت اطلاعاتی را بازنمایی می‌کند.

به لحاظ نظری، مهمترین کارکرد مورد انتظار از دولت «اداره امور شهروندان» در ابعاد مختلف (سیاسی، اقتصادی و...) با هدف برقراری نظم و امنیت است. نظم‌سازی و امنیت‌آفرینی فلسفه وجودی دولت و نظام سیاسی است که از مسیر «اداره امور» که در اصطلاح به آن کشورداری گفته می‌شود، پدیدار می‌گردد. به بیان دیگر، کشورداری فعل ذاتی و هویت‌دهنده به دولت یا نظام سیاسی است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۹) که شامل سه مؤلفه سیاست‌گذاری ملی، سیاست‌گذاری عمومی و برنامه‌ریزی عملیاتی و اجرایی است. درعین حال محیط عملیاتی کشورداری دارای سه بخش ملی، بین‌المللی و مجازی است که معنای آن الزام دولتمردان یا حاکمان برای نظم‌سازی و امنیت‌آفرینی همزمان در هر سه بخش است. بوزمان نیز کشورداری را مجموعه اعمالی می‌داند که در قالب رویکردها، سیاست‌ها، آموزه‌ها، نهادها و فرایندها، به منظور تضمین حکومت، امنیت و بقای واحدهای سیاسی انجام می‌شود (بوزمان، ۱۳۹۳: ۱۲).

ناگفته پیداست که حاکمان برای کنش‌گری در محیط پیچیده و چندلایه کشورداری نیازمند ابزارهای کسب، حفظ و افزایش قدرت‌اند تا از یک سو انحصار و سلطه دولت بر منابع عمده قدرت حفظ شود و از سوی دیگر، دولت در عملیاتی‌کردن فلسفه وجودی خود کارآمد گردد. فعالیت اطلاعاتی به معنای پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی نظام‌مند و نهادینه، یکی از این ابزارهای حکمرانی است که از یک سو با فراهم‌آوردن شناخت از ابعاد پنهان محیط کشورداری، امکان فهم دقیق و کنش خردگرایانه را برای حاکمان فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، توان کنترل مؤثر حاکمان بر دیگر کنش‌گران و حفظ انحصار و تسلط نسبی آنان بر محیط را ممکن می‌کند. از آنجایی که محیط کشورداری متشکل از کنش‌گران فردی یا جمعی انسانی است و کنش‌گران انسانی نیز به طور بنیادین تمایل به پنهان‌کاری دارند، حفظ انحصار و سلطه دولت بر محیط،

مستلزم آگاهی از ابعاد پنهان شده محیط است. به بیان دیگر، درجه انحصار و سلطه دولت با سطح آگاهی آن از ابعاد پنهان محیط کشورداری رابطه مستقیم دارد.

بوزمان بر آن است که «اطلاعات در مفهوم سیاسی خود، جزیی از هنر کشورداری است که بر نیاز یک جامعه متحد سیاسی، برای برخورداری از آگاهی و دانش از محیط خود متمرکز است» (بوزمان، ۱۳۹۳: ۱۱). از نظر او، جایگاه اطلاعات در تأمین منافع امنیتی واحدهای سیاسی در سطح داخلی و بین‌المللی، در هیچ زمان و مکانی مورد غفلت نبوده است. مارک لوونتال از نویسندگان پرارجاع حوزه مطالعات اطلاعاتی و مدیران سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، نهاد اطلاعاتی را در خدمت و تحت الشعاع نیازهای سیاست‌گذاری معرفی می‌کند و معتقد است که اطلاعات در هر دو جنبه عملیاتی و تحلیلی آن، هنگامی که با اهداف سیاست‌گذاری مرتبط باشد، بهترین کارکرد را خواهد داشت (لوونتال، ۱۳۸۷: ۹). به عبارت دیگر اطلاعات تنها بدین خاطر وجود دارد که حامی تصمیم‌گیران باشد. هر نوع فعالیت دیگر، اتلاف وقت یا غیرقانونی است.

بنابراین می‌توان گفت که «اطلاعات» بخشی از نظام سیاسی و سازمان اداری دولت است و دولت نقشی تکوینی در موجودیت و مشروعیت آن دارد. «اطلاعات» متغیری وابسته به «نظام سیاسی» است و سازماندهی، هدایت، تغییر و تکامل آن تحت تأثیر رویکردهای حاکم بر «سیاست» است. نظام سیاسی، اطلاعات را به سبب نیاز به کنترل محیط پیرامون خود ایجاد می‌کند و از آن به عنوان ابزاری برای کشورداری بهره می‌برد. بدین ترتیب باید گفت که فلسفه وجودی نهادهای اطلاعاتی و انجام فعالیت‌های اطلاعاتی، نقش‌آفرینی در «کشورداری» به مثابه کارکرد نظام سیاسی است. بخش بعدی مقاله تلاش می‌کند نقش‌آفرینی اطلاعات در این فرایند را بازنمایی کند.

ب. نقش‌های اطلاعات در کشورداری

این چهارچوب نظری که یک دهه از ارائه اولیه آن می‌گذرد، بر آن است که نهادهای اطلاعاتی سه نقش شناختی، نظارتی و اجرایی را در کشورداری ایفا می‌کنند. این دیدگاه بر گزاره‌های فکری زیر استوار است:

- اطلاعات متغیری وابسته به سیاست است که براساس جایگاه قانونی و مشروعیت اش در نظام سیاسی توانایی تأثیرگذاری بر آن را نیز دارد.
- فعالیت‌های اطلاعاتی که مجموعه‌ای از اقدامات پنهان‌کارانه و پنهان‌پژوهانه هستند، تنها زمانی دارای مشروعیت هستند که به نمایندگی از نظام سیاسی مستقر و در چارچوب قوانین و مقررات آن انجام شوند.
- اطلاعات ابزاری برای حکمرانی است که باید از سوی حاکمان مشروع مورد استفاده قرار بگیرد. اطلاعات یک نهاد پشتیبانی از کشورداری محسوب می‌شود.
- اطلاعات پدیده‌ای سیاسی و امری مرتبط با قدرت است؛ از یک سو منبع قدرت به شمار می‌آید و از سوی دیگر ابزاری برای توزیع و تولید قدرت است.
- امنیت ملی به عنوان رسالت دستگاه اطلاعاتی، محصول کشورداری کارآمد است؛ بنابراین نمی‌توان آن را صرفاً از طریق کارکردهای دستگاه اطلاعاتی تأمین کرد بلکه نیازمند بهبود عملکرد تمامی نهادهایی است که اداره کشور را بر عهده دارند.
- تأثیرگذاری فعالیت اطلاعاتی بر کشورداری تنها زمانی حاصل می‌شود که بر مبنای چهار قاعده پنهان‌بودگی، بی‌طرفی حرفه‌ای، سیاست‌گذارانه‌بودن و حریف‌محوری انجام شود.
- کارکردهای حرفه‌ای اطلاعات شامل جمع‌آوری، تحلیل، ضداطلاعات و اقدام پنهان، که فعالیت‌های اطلاعاتی در چارچوب آنها انجام می‌شوند، جهان‌شمول هستند و تفاوت در نظام‌های سیاسی یا جغرافیا و فرهنگ کشورها این کارکردها را تغییر نمی‌دهند.
- مأموریت‌های اطلاعات که به معنای دستورکار سالانه یا موضوعاتی است که نهادهای اطلاعاتی باید کارکردهای خود را بر روی آنها اعمال کنند، نسبی‌اند و تحت تأثیر نوع نظام سیاسی، راهبرد امنیت ملی، نوع سیاست خارجی و بافتارهای فرهنگی و جغرافیایی تعیین می‌شوند.
- ارتباط میان جهان اطلاعات و جهان سیاست، شرط اساسی برای نقش‌آفرینی دستگاه‌های اطلاعاتی در کشورداری است.
- جهان اطلاعات ماهیت حاکمیتی دارد و طبق رویکرد هنجاری باید بر مبنای منافع ملی هدایت شود، اما جهان سیاست در بسیاری از موارد تحت تأثیر منافع حزبی و گروهی است.

• خواسته‌ها و اهداف سیاست‌گذاران در اغلب موارد با هنجارها و قواعد جهان اطلاعات (پنهان‌بودگی، بی‌طرفی حرفه‌ای، سیاست‌گذارانه‌بودن و حریف‌محوری) ناسازگارند. برمبنای گزاره‌های فوق، این چارچوب نظری اطلاعات را ابزاری حاکمیتی می‌داند که حاکمان برای پیشبرد اهداف و منافع ملی و خواسته‌های سیاسی از آن استفاده می‌کنند. در این دیدگاه، اولین نقش دستگاه اطلاعاتی کاستن از جهل حاکمان نسبت به محیط پیرامونی کشورداری (اعم از داخل و خارج) است که از آن با مفهوم «نقش شناختی» نام می‌برند. منظور از نقش شناختی، تولید معرفت و آگاهی از محیط امنیت ملی بر اساس نیازهای تصمیم‌گیران و واحدهای سیاست‌گذاری است؛ در این نقش دستگاه‌های اطلاعاتی به مثابه چشم و چراغ برای نظام سیاسی عمل می‌کنند و کارکرد آنها روشن کردن محیط تاریک و پرابهام امنیت ملی برای سیاست‌گذاران است. این نقش عمدتاً با کارکرد جمع‌آوری پنهان و تحلیل مرتبط است. اگر بخواهیم از زبان استعاره سود ببریم، نقش شناختی اطلاعات همانند استعاره «اطلاعات به مثابه چشم بینا یا نورافکن» است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۱۹؛ رضایی و طلایی، ۱۳۹۴: ۱۶۱). دستگاه‌های اطلاعاتی با ایفای این نقش، بصیرت لازم برای کارگزاران نظام را فراهم آورده و از اشتباهات یا انحرافات آنان در سیاست‌گذاری جلوگیری می‌کنند.

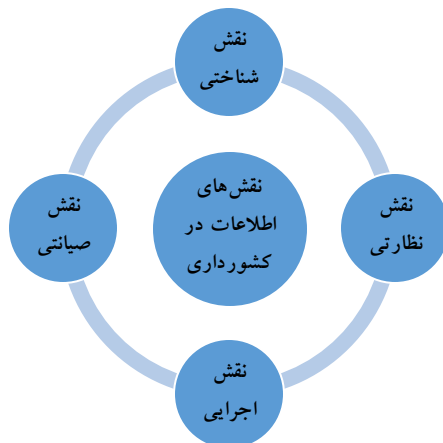
دومین نقش دستگاه اطلاعاتی در کشورداری، نقش نظارتی است که مراد از آن نظارت بر حسن اجرای امور توسط کارگزاران نظام سیاسی است. کشورداری امری انسانی است که توسط کارگزاران انسانی انجام می‌شود؛ این کارگزاران ممکن است به دلایل مختلف، وظایف و کارویژه‌های مورد انتظار را به درستی انجام ندهند. شناسایی خطاها و اشتباهات سهوی و عمدی کارگزاران، انحراف آنان از سیاست‌ها و تصمیم‌ها، یا هرگونه اختلال در فرایند کشورداری یکی از وظایف نهادهای اطلاعاتی است. نقش نظارتی به طور مستقیم ناشی از کارکرد ضداطلاعات در سازمان‌های اطلاعاتی است. این نقش مترادف با استعاره «اطلاعات به مثابه پزشک یا اطلاعات به مثابه باغبان» است که رویکردی آسیب‌شناسانه را بازنمایی می‌کند. منظور از نقش اجرایی نیز استفاده از توانمندی‌های اطلاعاتی برای عملیاتی کردن برخی از سیاست‌های نظام سیاسی است. همانطور که در گزاره‌های فکری بیان شده است، سازمان اطلاعاتی را باید نهاد پشتیبان کشورداری به شمار آورد؛ در زبان انگلیسی نیز استفاده از واژه «سرویس

اطلاعاتی» برای اشاره به نهادهای اطلاعاتی نشان‌دهنده این است که دستگاه اطلاعاتی مسئول ارائه نوعی خدمت به مشتریان است. مشتریان، در عمل تمامی نهادهایی هستند که طبق قانون در ابعاد مختلف کشورداری مسئولیت اجرایی دارند و تدبیر امور کشور به واسطه آنها انجام می‌شود. در ادبیات سیاسی ایران، از این مشتریان به نهادهای اجرایی یاد می‌شود که البته تنها محدود به قوه مجریه به معنای دولت در ایران نیست و شامل دستگاه قضا، مجلس و نهادهای وابسته به آن و نهادهای نظامی و انتظامی نیز می‌شود. دستگاه اطلاعاتی ارائه‌کننده خدمت اطلاعاتی به این مشتریان است و به طور مستقیم یک نهاد اجرایی در اداره کشور به شمار نمی‌رود. فرض بر آن است که نهادهای تخصصی اجرایی با گرفتن خدمت اطلاعاتی، توانایی تمهید سیاست و اجرای تصمیم‌های اخذشده را دارند. بر مبنای این فرض، نقش‌های شناختی و نظارتی مهمترین خدماتی است که کشورداران از دستگاه اطلاعاتی انتظار دارند. با این حال، واقعیت جهان سیاست چیز دیگری است و در بسیاری از موارد، نهادهای اجرایی تخصصی قادر به عملیاتی کردن سیاست‌های مورد نظر خود نیستند. اگر معطل ماندن برخی سیاست‌ها و ناتوانی دستگاه‌های اجرایی در پیشبرد آن، منافع حیاتی نظام را با مخاطره روبرو کند، سیاست‌گذاران و رهبران ارشد نظام ممکن است از دستگاه اطلاعاتی بخواهند که به طور موقت و در یک موضوع خاص جایگزین نهاد اجرایی تخصصی شده و تصمیم یا سیاست معطل مانده را عملیاتی کنند. همچنین، اجرای برخی از سیاست‌ها و تصمیم‌ها نیازمند پنهان‌کاری است؛ در این مواقع نیز عملیاتی شدن سیاست توسط سازمان اطلاعاتی انجام می‌شود. بنابراین نقش اجرایی، برخلاف دو نقش شناختی و نظارتی، نسبت ذاتی با نهاد اطلاعاتی ندارد بلکه عَرَضی بوده و «به نمایندگی» یا به عنوان «جایگزین موقت یک نهاد اجرایی تخصصی» ایفا می‌شود. نقش اجرایی از کارکرد اقدام پنهان در سازمان‌های اطلاعاتی ناشی شده و مستلزم مداخله پنهان در محیط امنیت ملی است. این نقش مترادف استعاره «اطلاعات به مثابه قبضه محکم نظام» (پیروز، ۱۳۹۴) است که نشان‌دهنده استفاده از اطلاعات به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات محیطی و مداخله پنهان در محیط امنیت ملی می‌باشد.

یکی از واژگانی که در سال‌های اخیر در گفتار مقامات امنیتی و اطلاعاتی کشور بازتاب فراوان داشته است، نقش صیانتی دستگاه‌های اطلاعاتی است که منظور از آن، حفاظت از زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی کشور در برابر تهاجم اطلاعاتی، اقدامات خرابکارانه و

فعالیت‌های تروریستی است. این نقش که برآمده از کارکرد ضداطلاعات است، در کشورهایی که با تهدیدات اطلاعاتی خارجی متعدد روبرو هستند، اهمیت و وزن بیشتری می‌یابد. در نسخه اولیه چارچوب نظری نقش اطلاعات در کشورداری، اشاره مستقیمی به صیانت نشده بود و فرض بر آن بود که نقش شناختی و نظارتی منجر به شناسایی تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های نظام شده و در صورت لزوم نیز در قالب نقش اجرایی با مرجع تهدید مقابله می‌شود، اما وقوع رویدادهای متعدد خرابکارانه و تروریستی در کشور مانند ترور نخبگان علمی (به مثابه دارایی حیاتی)، خرابکاری در زیرساخت‌های کشور و به ویژه حملات سایبری که «استاکس‌نت» یک نمونه از آن است، نشان داد که حفاظت از زیرساخت‌ها و دارایی‌های حیاتی کشور در برابر تهدیدات اطلاعاتی حریف، یک ضرورت عملی است. از این رو، به نظر می‌رسد که دستگاه‌های اطلاعاتی علاوه بر سه نقش اولیه، دست‌کم در نظام‌های سیاسی با تهدیدات متکثر درونی و بیرونی، باید از دارایی‌های حیاتی مانند دانشمندان، دستاوردهای علمی و منابع قدرت راهبردی، در برابر تهاجم اطلاعاتی دشمنان و رقبا صیانت کنند. البته رویکرد صیانتی هم‌زمان باید در برابر آلودگی‌های اطلاعاتی خارجی و آلودگی‌های امنیتی داخلی انجام شود.

شکل زیر الگوی نقش‌های چهارگانه اطلاعات در کشورداری را نشان می‌دهد. همانطور که از شکل برمی‌آید، این نقش‌ها ویژگی تکمیل‌کنندگی دارند و در رقابت با یکدیگر نیستند.



ج. رهیافت‌های تاریخی درباره نقش اطلاعات

فعالیت اطلاعاتی در معنای پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی، یک واقعیت مستمر در طول تاریخ بشری بوده است اما نتایج یا پیامدهای مورد انتظار از این فعالیت در طول تاریخ یکسان نبوده‌اند. البته باید میان پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی فردی یا گروهی با پنهان‌کاری و پنهان‌پژوهی دولتی تمایز قائل شد. با ظهور دولت مدرن است که نهادهای اطلاعاتی و فعالیت اطلاعاتی در مفهوم امروزی آن شکل گرفته و سخن از نقش نظام‌مند اطلاعات در کشورداری تنها درباره این دوره صادق است. پیش از دولت مدرن، دست‌یازیدن به اقدامات پنهان‌پژوهانه و پنهان‌کارانه بیش از آنکه یک رویه اداری و نظام‌مند باشد، یک ویژگی برآمده از سلائیق و توانمندی‌های فردی نخبگان و حاکمان بوده است.

انتظار دولت‌ها از فعالیت اطلاعاتی و طرز تلقی آنان از ضرورت و فلسفه وجودی اطلاعات در ادوار مختلف، تغییر و تکامل داشته است. بررسی ادبیات اطلاعاتی نشان می‌دهد که تاکنون سه رهیافت فکری نسبت به اطلاعات در دولت‌ها وجود داشته است که به ترتیب تاریخی شامل رهیافت سنتی، رهیافت مدرن و رهیافت پسامدرن است. این رهیافت‌ها ناشی از ویژگی‌های محیط امنیت ملی در دوره‌های مختلف نظام بین‌الملل و تحولات فناورانه شکل گرفته‌اند و محصول تکامل و انباشت اندیشه اطلاعاتی هستند. بنابراین نباید آنها را رویکردهایی رقیب در خصوص نقش اطلاعات در کشورداری به شمار آورد. در ادامه تلاش می‌شود ویژگی‌های محیط عملیاتی اطلاعاتی در هر کدام از رهیافت‌ها و انتظار از دستگاه اطلاعاتی در آنها بازنمایی شود.

۱. رهیافت سنتی: فعالیت اطلاعاتی به مثابه کشف و حفظ اسرار

این رهیافت برآمده از واقعیت‌های نظام دولت‌محور در قرن نوزدهم است که البته تا اواخر قرن بیستم نیز نگاه مسلط بر عرصه فعالیت اطلاعاتی بوده است. طی این دوره، دولت‌ها بازیگران اصلی و مطلق در صحنه سیاست داخلی و بین‌المللی به شمار می‌آیند. بازیگرانی که پنهان‌کاری و ویژگی ذاتی سیاست‌ها و کنش‌های آنان است و همین موضوع ابهام دولت‌ها درباره نیات و

کنش‌های سایر بازیگران را افزایش می‌دهد. در عین حال، انحصار خبری در دست بازیگران دولتی است و کنش‌گران غیردولتی ابزار و فرصت لازم برای اطلاع‌رسانی داخلی یا خارجی را در اختیار ندارند. معدود رسانه‌های چاپی موجود نیز اولاً به شدت تحت کنترل دولت‌اند و از سوی دیگر دسترسی مناسبی در زمینه موضوعات راهبردی ندارند. در چنین شرایطی، هر دولت برای آگاهی از اقدامات و نیت پنهان یا همان «اسرار» رقبا و دشمنان خود، چاره‌ای جز دست‌یازیدن به فعالیت نظام‌مند پنهان‌پژوهی توسط دستگاه اطلاعاتی خود ندارد. در این دوران، هرچه آگاهی و شناخت دولت‌ها از اقدامات و نیت پنهان سایر بازیگران بیشتر بود، توان قدرت‌افکنی و پیگیری اهداف نیز افزایش می‌یافت. به طور خلاصه محیط عملیاتی دستگاه‌های اطلاعاتی در این دوره، واجد ویژگی‌های زیر بوده است:

- عدم قطعیت و ابهام در محیط امنیت ملی
 - پنهان‌کاری بازیگران و مخفی کردن نیت و اهداف
 - ناتوانی رسانه‌ها و کنش‌گران عمومی برای شناخت نیت بازیگران
 - توانایی بازیگران دولتی برای مهندسی معرفتی محیط
 - محدودبودن منابع آشکار
 - انحصار تولید و توزیع اطلاعات در دست نهادهای اطلاعاتی
 - جایگاه انحصاری نهادهای اطلاعاتی در جلب اعتماد و ارتباط با سیاست‌گذاران
 - سیاست‌گذاری مبتنی بر شناخت توصیفی
 - اشرافیت بر بعد پنهان به عنوان عامل قدرت
- در چنین شرایطی، مهمترین انتظار دولت‌مردان از نهادهای اطلاعاتی، شناسایی و کشف اسرار سایر بازیگران و در عین حال ممانعت از کشف اسرار خودشان توسط نهادهای اطلاعاتی رقبا و دشمنان بوده است چراکه آگاهی از اسرار دیگران و کاستن از عدم قطعیت سیاست‌گذاران نسبت به محیط پیرامونی و در عین حال افزودن به عدم قطعیت رقبا و دشمنان نسبت به اقدامات خود، عاملی برای قدرت ملی به شمار می‌رفت (بنگرید به: علیخانی، ۱۳۹۹).
- البته این وضعیت با توسعه مردم‌سالاری و رسانه‌های چاپی، اشاعه رادیو و تلویزیون، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و صنعت گردشگری و ظهور ماهواره‌ها تغییر می‌کند.

۲. رهیافت مدرن: فعالیت اطلاعاتی به مثابه تفسیر اسرار

محیط عملیاتی سنتی اطلاعات کم‌وبیش تا اواسط قرن بیستم در اکثر قاره‌ها تداوم داشت اما با توسعه اقتصاد جهانی و اشاعه فرهنگ مردم‌سالار و رونق صنعت رسانه چه از نوع مکتوب و چه از نوع صوتی و تصویری، به تدریج توانایی دولت‌ها در کنترل و مهندسی فرایند انتشار داده‌وخبیر کاهش یافت. با اینکه محیط عملیاتی دستگاه اطلاعاتی در این دوره، همچنان دولت‌محور و پنهان‌کار است، توسعه فناوری و صنعت رسانه، منابع آشکار را به شدت تقویت می‌کند. در عین حال، توسعه مراکز دانشگاهی، ظهور اندیشکده‌ها و افزایش همکاری‌های علمی بین‌المللی، انحصار دستگاه‌های اطلاعاتی در تولید آگاهی و شناخت از جهان ناشناخته پیرامون را متزلزل می‌کند (Teitelbaum, 2005). افزایش منابع آشکار و امکان دسترسی به جوامع دیگر موجب می‌شود که خبرنگاران، دانشگاهیان و اندیشکده‌ها نیز دست به تحلیل رویدادهای محیطی بزنند. در این محیط، اگرچه همچنان اسراری برای کشف وجود دارد که بازیگران مدنی (رسانه، دانشگاه و اندیشکده) به راحتی و در زمان مناسب توان دستیابی به آن را ندارند اما به دلیل پیچیدگی بیشتر و ازدیاد نسبی داده، دیگر تنها با آگاهی از اسرار نمی‌توان کارآمدی کشورداری در تولید قدرت را تضمین کرد بلکه کشورداران نیازمند فهم و ادراک معنای رویدادها و اسرار هستند. هرچند که هنوز بخش قابل توجهی از رویدادها و نشانه‌ها پنهان‌اند، حجم مناسب و کافی داده‌های آشکار، اجازه می‌دهد که خبرنگاران، دانشگاهیان و پژوهشگران اندیشکده‌ای با کاربرست روش‌های تحلیل و تفسیر، معانی نهفته در آنها و نیات پشت‌پرده کنش‌گران را آشکار کنند. در این شرایط، نهادهای اطلاعاتی نیز برای آنکه همچنان انحصار خود در تولید شناخت راهبردی را حفظ کنند، علاوه بر کشف اسرار، اقدام به تقویت فعالیت‌های تحلیلی نموده و با ترکیب داده‌های آشکار و پنهان تلاش می‌کنند تمایز خود در مقایسه با رقبای نوظهور دانشگاهی و اندیشکده‌ای را حفظ کنند. ویژگی‌های محیط عملیاتی مدرن دستگاه‌های اطلاعاتی در این دوره به شرح زیر هستند:

- عدم قطعیت و ابهام در محیط امنیت ملی
- پنهان‌کاری بازیگران و مخفی‌کردن نیات و اهداف
- ناتوانی رسانه‌ها و کنش‌گران عمومی برای شناخت اسرار بازیگران

- کاهش توانایی بازیگران دولتی برای مدیریت جریان‌های خبری و معرفتی
- افزایش منابع آشکار در اثر توسعه پژوهش‌های دانشگاهی، بنگاه‌های خبری و رسانه‌های صوتی و تصویری

- افزایش نقش آفرینی رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و اندیشکده‌ها در تحلیل و ارزیابی محیط
- رقابت سایر بازیگران تولیدکننده شناخت با نهادهای اطلاعاتی در تحلیل محیط
- سیاست‌گذاری مبتنی بر شناخت تبیینی و تفهیمی
- فهم و ادراک از محیط به عنوان عامل قدرت

این ویژگی‌ها از اوایل دهه نود قرن بیستم با گسترش سریع تلویزیون‌های ماهواره‌ای و در اواخر آن با ظهور شبکه جهانی اینترنت کاملاً تشدید شدند و با توسعه بسیار سریع اینترنت و ظهور فضای مجازی منجر به تغییر بنیادین ناگهانی در محیط عملیاتی دستگاه‌های اطلاعاتی و محیط امنیت ملی شدند.

۳. رهیافت پسامدرن: فعالیت اطلاعاتی به مثابه ابزار تغییر و برساختن

نیمه پایانی دهه نود قرن بیستم و دهه اول قرن بیست‌ویکم، شاهد دگرگونی‌های بنیادین در محیط داخلی و بین‌المللی کشورداری و محیط عملیاتی دستگاه‌های اطلاعاتی بوده است. ظهور و تقویت بازیگران غیردولتی، توسعه سریع فناوری‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطات و ظهور فضای مجازی از جمله مهمترین آنها است. تحولات فناورانه، محیط عملیاتی نهادهای اطلاعاتی را علاوه بر محیط واقعی و عینی به محیط مجازی نیز گسترش داده است. این تحولات از یک سو، منجر به انقلاب منابع آشکار (بنگرید به: سالارکیا، ۱۳۹۰) و افزایش تصاعدی تولید داده راهبردی و دسترسی به آن شد و از سوی دیگر توان بازیگران غیردولتی در تولید شناخت راهبردی را هم‌سنگ و گاهی بالاتر از دولت‌ها افزایش داد. هرچند همچنان پنهان‌کاری وجود دارد و بازیگران دولتی و غیردولتی نیات و اقدامات خود را از دیگران پنهان می‌کنند اما انقلاب منابع آشکار، افشای اسرار را به رویه‌ای نهادینه تبدیل کرده است. در جهان جدید، کشف اسرار لزوماً نیازمند پنهان‌پژوهی سنتی توسط سازمان‌های اطلاعاتی نیست؛ اسرار به خوبی و با سرعت از خلال تحلیل کنش‌های مجازی یا نفوذ شبکه‌ای قابل شناسایی‌اند. آنچه

که در این جهان اهمیت یافته است، فهم کلان روندها و معانی موجود در داده‌های کلان سایبری است (بنگرید به: صدیق، ۱۳۹۵). در واقع «نیات و اقدامات پنهان دولت‌ها» در مقایسه با «نیات و معانی نهفته در کلان‌داده‌های برآمده از کنش‌های مجازی» حجم کوچکی دارند و طول عمر پنهان‌بودگی آنها نیز از ناحیه هکرها، حملات سایبری و بازیگران متعدد دولتی و غیردولتی کاشف‌الاسرار در معرض کوتاه‌شدن است. این وضعیت نه تنها انحصار تولید شناخت را هبردی را به طور کامل از نهادهای اطلاعاتی سلب کرده، بلکه مزیت نسبی آنها در دسترسی به داده‌های حاصل از پنهان‌پژوهی را روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌کند. ظهور صدها شرکت و مؤسسه تحلیل و تفسیر داده‌های آشکار، نه تنها انحصار دستگاه اطلاعاتی در تولید شناخت را هبردی را از میان برده، بلکه منجر به کاهش عدم قطعیت ناشی از جهل و ناتوانی در فهم و ادراک رویدادها و روندها شده است. با وجود این، سرعت بالای تغییرات، پویایی شگفت‌انگیز و پیچیدگی ناشی از آن، منجر به افزایش ابهام و عدم قطعیت نسبت به وضعیت حال و آینده جهان شده است.

آگاهی ما از جهان بسیار افزایش یافته است اما جهان امروز، دنیای رویدادهای شگفت‌انگیز، ناگهانی و دور از درک متعارف است. سیاست‌گذاران امروز، برخلاف پیشینیان سنتی و مدرن خود، لزوماً نیازی به سازمان‌های اطلاعاتی برای آگاهی از اسرار یا تحلیل آنها ندارند؛ آنها می‌توانند این نیازها را با هزینه‌های کمتر توسط بازیگران غیردولتی متخصص منابع آشکار و سایبری برآورده کنند. آنچه که آنها را همچنان نیازمند دستگاه اطلاعاتی می‌کند، نیاز به ابزاری برای مداخله پنهان در محیط جهت کنترل روندهای مخاطره‌انگیز و ایجاد تغییرات محیطی سازگار با اهداف و منافع است. در جهان امروز، قدرت‌افکنی صرفاً ناشی از شناخت نیست، بلکه مداخله مبتنی بر شناخت در محیط است که می‌تواند به تولید و حفظ قدرت دولت منجر شود.

در این جهان، نقش شناختی و نظارتی اطلاعات به شدت به چالش کشیده شده و بازیگرانی ظهور کرده‌اند که تا حد زیادی می‌توانند جایگزین دستگاه اطلاعاتی در برآوردن نیازهای کشورداران باشند. برای مثال رصد عملکرد کارگزاران توسط گروه‌های اجتماعی برای شناسایی و افشای فساد آنها، یا هک کردن سامانه‌های فنی توسط هکرها که به مالکان آن اجازه

می‌دهند نقاط ضعف و آسیب‌پذیری سامانه‌های خود را بیابند، بخشی از کارکردهای نظارتی است که از انحصار دستگاه اطلاعاتی خارج شده‌اند. با وجود این، صیانت از دارایی‌های حیاتی و استفاده از اقدامات پنهان برای مداخله در محیط، همچنان در انحصار دستگاه‌های اطلاعاتی باقی مانده است.

دنیای امروز دیگر دنیای مبارزه دولت‌ها بر سر کشف و حفظ اسرار نیست، بلکه عرصه «شالوده‌شکنی از» و «برساختن» معنا، روایت و واقعیت مبتنی بر منافع است. در چنین شرایطی، دستگاه‌های اطلاعاتی از ابزارهای شناختی، به سمت ابزارهای مداخله‌گر در محیط تغییر راهبرد داده‌اند. مداخله پنهان دستگاه‌های اطلاعاتی از یک سو برای برساختن تغییرات مورد نظر در محیط و از سوی دیگر برای جلوگیری یا شالوده‌شکنی از تغییرات مهندسی شده بازیگران دیگر، انجام می‌شود.

ویژگی‌های محیط عملیاتی پسامدرن دستگاه‌های اطلاعاتی به شرح زیر هستند:

- انقلاب در منابع آشکار و ظهور اطلاعات سایبری
- کاهش عدم قطعیت ناشی از ناآگاهی یا جهل
- افزایش عدم قطعیت ناشی از تغییرات و پویایی محیط
- توسعه دسترسی سیاست‌گذاران به اطلاعات دقیق از محیط
- ظهور پدیده «کلان‌داده»
- کاهش توانایی دولت‌ها در مهندسی و مدیریت معرفتی محیط
- کاهش پنهانکاری
- از دست رفتن انحصار نهادهای اطلاعاتی در تولید و تفسیر داده‌های سیاستی
- هم‌سنگ شدن و گاهی فراتر رفتن قدرت بازیگران غیردولتی در مقایسه با دولت‌ها در تولید شناخت راهبردی
- سیاست‌گذاری عمل‌گرایانه
- اقدام و تأثیرگذاری محیطی به عنوان عامل قدرت

نتیجه‌گیری

بی‌تردید هرچه نقش‌های شناختی و نظارتی دستگاه اطلاعاتی در فرایند کشورداری تقویت شود، عنصر عقلانیت و خردگرایی در نظام سیاسی افزایش خواهد یافت و تقویت عقلانیت در کشورداری نیز به نوبه خود، منجر به استحکام پایه‌های امنیت ملی و مشروعیت نظام سیاسی خواهد شد. تولید شناخت و نظارت، نقش‌های سنتی سازمان‌های اطلاعاتی در رهیافت «اطلاعات به مثابه کشف اسرار» به شمار می‌آیند. در این رهیافت، فرض بر آن است که محیط امنیت ملی واجد اسرار پنهانی است که تنها نهادهای اطلاعاتی قادر به شناسایی و بازنمایی آن برای سیاست‌گذاران هستند. این رهیافت کلاسیک، در اثر جهانی شدن و انقلاب در فناوری‌های اطلاع‌رسانی و ظهور فضای مجازی به شدت به چالش کشیده شده چراکه در دنیای جدید شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و بعدها اینترنت و شبکه‌های مجازی بسیار زودتر و کارآمدتر از نهادهای اطلاعاتی به بازنمایی اسرار و ابعاد پنهان رویدادهای محیط امنیت ملی می‌پردازند. تحولات ناشی از جهانی شدن فناوری‌های اطلاع‌رسانی و فضای مجازی، منجر به تغییر رهیافت حاکم بر فعالیت اطلاعاتی از «کشف اسرار» به سمت «تفسیر و تحلیل اسرار» شده است؛ امروزه نهادهای اطلاعاتی در کنار کشف اسرار، عمدتاً به مثابه اندیشکده‌هایی برای تحلیل جامع و تمام‌منبعی عمل می‌کنند و انتظار کشورداران از آنها این است که معنای موجود در دل داده‌ها و در پس رویدادها را بازنمایی کنند.

به‌رغم آنکه جهانی شدن کشف اسرار را ساده‌تر کرده است، اما عدم قطعیت و ابهام نسبت به آینده به شدت افزایش یافته است، به نحوی که کنش‌گران به سادگی نمی‌توانند راهبرد مورد نظر خود را برای ساختن محیط امنیت ملی پیگیری کنند چراکه به سرعت افشا شده و منجر به موضع‌گیری و اقدام متقابل رقبا و دشمنان می‌شود. این وضعیت بار دیگر ضرورت پنهانکاری در سیاست‌های راهبردی برای شکل‌دادن به محیط امنیت ملی را تشدید کرده است. در چنین شرایطی رهیافت جدیدی نسبت به کاربری اطلاعات شکل گرفته که می‌توان از آن به «اطلاعات به مثابه ابزاری برای مداخله پنهان محیطی» یاد کرد. در این رهیافت، فرض بر این است که تمامی رقبا به دنبال مداخله در محیط و شکل‌دادن به آن در راستای منافع خود هستند؛

بنابراین نقش دستگاه اطلاعاتی از یک سو به مثابه سلاحی برای جنگاوری پنهان علیه طرح‌های عملیاتی دیگران است و از سوی دیگر ابزاری برای مداخله و شکل دادن به محیط در راستای منافع کشور متبوع می‌باشد.

رهیافت اول و دوم منجر به تقویت اشرافیت اطلاعاتی کشورها در محیط می‌شود اما رهیافت سوم مبتنی بر بهره‌برداری از اشرافیت برای اعمال تغییرات مورد نظر یا ممانعت از تغییرات نامطلوب در محیط است که از آن با نام «قدرت اطلاعاتی» یاد می‌شود. به نظر می‌رسد که نقش‌آفرینی کارآمد دستگاه‌های اطلاعاتی در جهان امروز، نیازمند پیوستگی سه رهیافت در تفکر راهبردی اطلاعاتی نظام‌های سیاسی است؛ اشراف اطلاعاتی به تنهایی برای کنش‌گری در جهان امروز کافی نیست اما پیش‌نیاز اولیه برای ایجاد قدرت اطلاعاتی به شمار می‌آید. نقش‌های شناختی و نظارتی اطلاعات منجر به اشراف اطلاعاتی بر محیط می‌شود و نقش صیانتی و اجرایی، کاربست توانمندی و قدرت اطلاعاتی برآمده از اشراف برای مداخله و ساختن محیط است.

منابع

- بوزمان، آدا. ب. (۱۳۹۳)، اطلاعات استراتژیک و کشورداری، مترجم: ناشر، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۹۹)، سال‌نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۰، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پیروز، مهدی (۱۳۹۴)، نقش سازمان‌های اطلاعاتی در گفتمان ولایت: از چشم‌بینا تا قیضه محکم نظام اسلامی، در مجموعه مقالات اولین همایش اطلاعات و ولایت، جلد اول، صص ۱۸۳-۱۹۴، تهران: پژوهشکده اطلاعات.
- حاتمی، عباس (۱۳۹۸)، گزارش طرح تحقیقاتی مسئله‌شناسی پیشرفت و امنیت در استان اصفهان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۹)، چارچوبی برای تحلیل کشورداری، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۷۵-۱۸۷.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۰)، انقلاب منابع آشکار در هزاره سوم: چالش هستی‌شناختی اطلاعات، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، صص ۷-۳۴.
- سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۱)، تحول مفهوم پنهانکاری: از ویژگی هستی‌شناختی تا ابزاری برای فعالیت اطلاعاتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۶۷-۹۰.
- صدیق، میرابراهیم (۱۳۹۵)، انقلاب سایبری و تحول در پدیده جاسوسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۹، شماره ۷۱، صص ۷۱-۹۲.
- طلایی، رضا، رضایی، محمدرضا (۱۳۹۴)، طراحی الگوی نظارت در سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی و حفاظتی با تأکید بر رهنمودهای مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۴۳-۱۷۴.
- علیخانی، علی (۱۳۹۹)، نظریه سلاح اطلاعات، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۳، شماره ۸۹، صص ۷-۲۸.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۵)، پایان تاریخ و انسان واپسین، ترجمه عباس عربی و زهره عربی، تهران: سخنکده.
- قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۰)، تأثیر جامعه شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، صص ۳۵-۶۸.
- لوونثال، مارک (۱۳۸۷)، فرایند اطلاعات از اسرار تا سیاست، ترجمه علیرضا غفاری، تهران: دانشکده امام باقر(ع).
- مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات، ۱۳۹۵/۵/۱۹ قابل‌بازرسی در : <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=33960>
- میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰)، سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست‌خارجی: چارچوبی برای تحلیل، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۴، شماره ۵۳، صص ۱۹۱-۲۲۷.

میرمحمدی، مهدی و محمدی‌لرد، عبدالمحمود (۱۳۸۷). سیاست و اطلاعات: مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا، تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر.

Kent, Sherman (1949). Strategic Intelligence for American world policy, Princeton: Princeton university press.

Shulsky, Abram (2002). Silent Warfare: Understanding the world of intelligence, Washington: Brasseyes.

Teitelbaum, Lorne (2005). The Impact of the Information Revolution on Policymakers' Use of Intelligence Analysis, Washington: RAND.